

پرسش و پاسخ در مورد سازماندهی کارگری

۱۳۷۸



م. رازی

تاریخ و ادبیات مارکسیستی

سوالات زیر بین سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ توسط برخی از رفقای جنبش کارگری مطرح شد، که پاسخ به آنها توسط رفیق م. رازی در نشریه «کارگر سوسیالیست»، تحت عنوان «سازمانده کارگری»، آن دوره انتشار یافت. گرچه برخی از نکات شامل مرور زمان شده؛ اما بدلیل اهمیت مسایل مطروحه مجموعه آن در اختیار کارگران پیشرو ایران قرار می گیرد.

آبان ۱۳۸۲

سوال- اصول مبارزاتی کارگران چیستند؟

فعالان جنبش کارگری ایران در مبارزه ضدسرمایه داری به اصول مبارزاتی خود نایل می آیند. مبارزه مشترک آنان علیه اجحافات مدیران کارخانه، انجمن های اسلامی، شوراهای اسلامی، سرکوب و خفقان، مخرج مشترکی در برخورد آنها نسبت به یکدیگر و گرایش های نظری در درون خود و سایر کارگران و نیروهای سیاسی بوجود می آورد. همبستگی، کمک رسانی و دفاع از یکدیگر در مقابل رژیم یکی از خصوصیات بارز این اشتراک مبارزاتی است.

کارگران پیشروی ایران، با وجود داشتن اختلاف نظر در مورد بسیاری از مسایل، می دانند که ایجاد تفرقه میان آنها (بدگویی، شایعه پراکنی و لجن پراکنی علیه مخالفان سیاسی)، تنها آب به آسیاب رژیم ریختن است. تبادل نظر و بحث سیاسی و منطقی با چنین روش هایی سازگار نیستند.

کارگران مبارز سوسیالیست در ایران منافع کل جنبش کارگری را فدای مدافع لحظه ای و کوتاه مدت خود نمی کنند. برخورد عقاید و تبادل نظریات با یکدیگر را به مفهوم «دشمنی» و «تخاصم» شخصی قلمداد نمی کنند. آنها در حین مبارزه به اصول

کارگری ای دست می‌یابند که به مراتب از هر اساسنامه، مرامنامه و قوانین بورژوازی و یا خرده بورژوازی مستحکم‌تر، غنی‌تر و اصولی‌تر است.

اما برخلاف این روش، گرایش‌های خرده بورژوا در درون طبقه کارگر و یا جریان‌ها و افرادی که از پایه کارگری جدا شده و هیچ ارتباطی با مبارزات زنده کارگران ندارند (عمدتاً در خارج از کشور)، به چنین روشی پای بند نیستند. تفرقه‌انگیزی، شایعه‌پراکنی، اتهام‌زنی، اشاعه‌اکاذیب، بدگویی، لجن‌پراکنی و فحاشی از خصوصیات بارز آنهاست. آنها به محض مشاهده حرکات‌های نوین و واقعی در درون جنبش کارگری، عرصه سیاسی را بر خود تنگ دیده و حملات لفظی را پشت پرده و سپس علناً علیه هر فرد و جریانی خارج از کنترل خود دامن می‌زنند. بدیهی است که این روش از برخورد مغایرت کامل با اصول مبارزاتی پیشروی کارگری در ایران دارد. کارگران سوسیالیست با آگاهی به انحراف‌های خرده بورژوازی در درون جنبش کارگری، بایستی آگاهانه در مقابل این برخوردهای فرقه‌گرایانه ایستاده و به افشاء و انزوی آنها بپردازند. و تحت هیچ وضعیتی مرعوب این «عملکرد»‌های مخرب نگردند.

سوال- روش صحیح حل اختلاف نظرها در درون جنبش کارگری چیست؟

بدیهی است که فعالان جنبش کارگری همه از نظر سیاسی و برنامه‌ای و تاکتیکی، یک دست و یک پارچه نمی‌توانند برخوردار باشند. اختلاف نظر در استراتژی و تاکتیک یکی از خصوصیات «مثبت» جنبش کارگری است. بدیهی است که تا نظریات و برنامه‌ها در یک محیط سالم، به بحث گذاشته نشوند، هیچ گام مثبتی نمی‌تواند به پیش برداشته شده؛ و بحث‌ها و نظریات در یک مدار بسته باقی می‌مانند.

وضعیت اختناق آمیز ایران برخی از فعالان جنبش کارگری را (موقتاً یا دائماً) به خارج از کشور تبعید می‌کند. حضور این عده در خارج وضعیت مناسبی را برای

آموزش سوسیالیستی، تکامل نظریات سیاسی متکی بر تجارب پیش، تبادل نظریات تکامل یافته و نوین، به وجود می آورد.

اما در وضعیت کنونی که جنبش کارگری از تشکیلات پرقدرت و سنت نظری و تجربی طولانی برخوردار نبوده و کاملاً متفرق و منشعب است، ابزاری برای سازماندهی این امور وجود ندارد. پس باید در میان خود، برای حل اختلاف های سیاسی، به اصولی توافق کرد و به آنها پای بند بود. در راستای برقراری یک محیط سالم برای تبادل نظر و نهایتاً ایجاد زمینه برای کار مشترک در میان فعالان جنبش کارگری، پیشنهاد اولیه زیر طرح می گردد:

۱- کلیه برخوردهای افتراق آمیز پشت پرده (بدگویی، اتهام زنی، فحاشی، اشاعه اکاذیب و غیره) کاملاً قطع باید گردد. کارگران سوسیالیست تحت هیچ شرایطی نباید وارد بحث های پشت پرده علیه سایر افراد و جریان های سیاسی گردند. ارتباطات شخصی با کسانی که به اتهام زنی و افتراق (چه آگاهانه و چه ناآگاهانه) دامن می زنند بایستی فوراً قطع گردد.

۲- اختلاف نظریات (هر فرد و جریانی) بایستی به شکل مکتوب و با امضا (با رعایت مسایل امنیتی) درج گردد. برای این منظور می توان یک بولتن بحث مشترک فعالان جنبش کارگری به وجود آورد. یا اینکه می توان از نشریاتی که امکان انعکاس نظریات کارگری را (بدون بهره برداری سیاسی) فراهم کرده و می کنند استفاده کرد.

۳- برای بحث های شفاهی (نتیجه بحث های کتبی) می توان حداقل سال یکبار به سازماندهی سمینارها و جلسات بحث حول مسایل خاص جنبش کارگری مبادرت کرد.

۴- برای حل مسایل تشکیلاتی (اتهامات، شکایت ها و غیره) می توان به تشکیل یک «کمیسویون تحقیق» که با توافق فعالان جنبش کارگری انتخاب می گردند، مبادرت کرد.

۵- افرادی که مسایل سیاسی و تشکیلاتی علیه یکدیگر دارند، بایستی به ارائه نظریات خود در نهادهای بالا تشویق گردند. اما چنانچه کماکان به تفرقه انگیزی ادامه

دهند، بایستی در درون فعالان جنبش کارگری (خارج و درون) افشا و نهایتاً طرد و منزوی گردند.

فروردین ۱۳۷۸

سوال- مبارزات روشنفکران از چه اهمیتی برخوردار است؟

مبارزات روشنفکران و یا «اهل قلم» (روزنامه نگاران، نویسندگان، مترجمین و شعرا و غیره) در جوامع سرمایه داری از نوع ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. زیرا رژیم دیکتاتوری تحمل آزادی های اولیه اجتماعی را نداشته و هرگونه مخالفت را سرکوب می کند. در این میان نخستین لایه ها اجتماعی که سرکوب و خفقان را منعکس می کنند، این قشرهای اجتماعی اند. مبارزات آنها برای دمکراسی، آزادی بیان و قلم و تجمع منطبق با همان خواست های کارگران است. از اینرو است که آنها نیز همانند کارگران مبارز، مورد شدیدترین و فجیع ترین سرکوب های رژیم قرار می گیرند.

مقاومت های روشنفکران در مقابل دیکتاتوری در تاریخ معاصر بسیار چشم گیر بوده و زمینه را برای مبارزات کارگری آماده ساخته است. از اینرو مقاومت های آنها نباید جدا از مبارزات کارگری تلقی شوند.

سوال- آیا باید از مبارزات روشنفکران دفاع کرد؟

بدون تردید باید چنین کرد. کارگران سوسیالیست از هر حرکت ضدسرمایه داری دفاع می کنند. مبارزه برای آزادی بیان، قلم، اعتصاب، تجمع و غیره از مطالبات محوری سوسیالیست های انقلابی است. کارگران مبارز همواره پرچم دار مبارزات برای حقوق دمکراتیک بوده و هستند. مبارزه روشنفکران برای آزادی مطبوعات؛ زنان برای حق مساوی و برابری؛ ملیت ها برای حق تعیین سرنوشت؛ جوانان برای آزادی های مدنی و غیره همه بخشی از مطالبات کارگری است. کارگران پیشرو

برخلاف فرقه گرایان آنارشیست و شبه آنارشیست خود را از سایر لایه های اجتماعی جدا نکرده و در صف مقدم مبارزه برای آزادی های مدنی قرار می گیرند. تنها با این روش از مداخلات است که سایر قشرهای تحت ستم جامعه به خصلت انقلابی کارگران پی برده و در انقلاب آتی از متحدان آنها بشمار خواهند آمد. کارگرانی که خود به هر علت از مبارزات دمکراتیک سایر لایه های اجتماعی جدا می کنند به جنبش کارگری لطمه خواهند زد.

سوال- آیا برنامه و اهداف روشنفکران انقلابی است؟

الزاماً خیر!

بدیهی است که روشنفکران (مانند زنان، جوانان، دهقانان و ملیت های تحت ستم) از برنامه یکپارچه و منطبق با برنامه و منافع دراز مدت کارگران برخوردار نیستند. از اینرو دفاع از آنها به مفهوم تأیید برنامه ها و نظریات آنها نباید تلقی گردد. برخی از برنامه های ارائه داده شده توسط این قشرها، رفرمیستی و یا تجدیدنظرطلبانه است. برخی توهم به بخشی از رژیم را افزایش می دهد. اما در عین حال بعضی از آنها حامل چشم اندازهایی مشابه به طبقه کارگر هستند.

کارگران سوسیالیست ضمن دفاع از مبارزات روشنفکران (و سایر قشرها) برای دمکراسی، برنامه مستقل خود را نیز درون آنها تبلیغ کرده و نقد بی رحمانه ای علیه نظریات و برنامه های احياناً انحرافی آنها دامن می زنند.

دفاع ما از طیف های غیرپرولتری الزاماً مبنی بر همسویی با برنامه و نظریات آنها نیست، حمایت ما از آنها براساس فعالیت و مبارزات کنونی آنهاست و نه آنچه در گذشته بوده و یا آنچه در آینده خواهد شد. عدم حمایت قاطع کارگران سوسیالیست از این قشرهای در حال مبارزه با استبداد و دیکتاتوری، نه تنها جبهه ضدسرمایه داری را تضعیف کرده که به خود کارگران پیشرو نیز لطمه خواهد زد. این لایه های اجتماعی چه آگاهانه و چه ناآگاهانه امروز در صف مقدم جبهه ضددیکتاتوری قرار

گرفته اند (صرف نظر از نظریات و سخنانی که ایراد می کنند). توفیق رژیم در شکست دادن آنها راه را برای حملات گسترده تر علیه نیروهای کارگری هموار خواهد کرد.

سوال- ایرادات به حرکت های اخیر روشنفکران چیستند؟

حرکت های اخیر روشنفکران برای تداوم و توفیق در هدفهایشان باید با مبارزات کارگران پیشرو همسویی بیابند. روشنفکران ایران که در وضعیت بسیار دشوار جان خود را فدا می کنند، باید بر این امر واقف باشند که مبارزه آنها بدون درگیری پیشروی کارگری نهایتاً موفق نخواهد شد. مبارزات روشنفکران همچنان باید هیچ توهمی نسبت به هیچیک از جناح های هیئت حاکم ایجاد نکند. تجربه اخیر در ایران باید به روشنی نشان داده باشد که برای استقرار با بخش های هیئت حاکم نمی توان آزادی های مدنی بوجود آورد.

روشنفکران در عمل در می یابند که آزادی های اجتماعی تنها با همکاری، همبستگی و اتحاد با کارگران پیشرو عملی است. روشنفکران در عمل در می یابند که کلیه مبارزات برای دموکراسی با مبارزات سرمایه داری گره خورده و غیرقابل تفکیک اند. روشنفکران در عمل در می یابند که مبارزه با آخوندیزم و عقب گرایی با مبارزه برای سوسیالیسم ادغام شده است.

خرداد ۱۳۷۸

سوال- با توجه به تحولات اخیر ایران نقش کمونیست ها در خارج چه باید باشد؟

نقش کمونیست ها در موقعیت کنونی در خارج از کشور عمدتاً دوگانه است:

اول، تشکیل اتحاد عمل دراز مدت. وضعیت کنونی ایران و به ویژه مبارزات کارگران، جوانان و زنان یک نیروی متحد کمونیستی در خارج از کشور را طلب می‌کند. نیرویی که بتواند به ایجاد یک جبهه ضد سرمایه داری و جمع آوری کلیه نیروهای مترقی و انقلابی در راستای دفاع پیگیر از جنبش درون ایراد مبادرت کند. اما متأسفانه در دهه پیش برخوردهای فرقه گرایانه برخی و شیوه های فرصت طلبانه عده ای دیگر و ندانم کاری های بی شمار و انجام خرده کاری های بی حاصل از جانب جریان های «چپ»، ایجاد یک اتحاد کمونیستی را مسدود و غیر عملی کرده است.

اینک زمان آن فرا رسیده است که نیروهای که خود را «کمونیست» دانسته و خواهان سرنگونی رژیم سرمایه داری و استقرار یک دولت کارگری متکی بر نظام شورایی اند؛ بر محور یک سلسله اصول عمومی رادیکال و انقلابی، گرد هم آیند و وظایف خود را در قبال جنبش کارگری انجام دهند.

در غیراین صورت فعالیت های دفاعی و عملی در خارج از کشور در دست گرایش های غیرپرولتاری (به ویژه دفاع از فعالان جنبش کارگری) محدود و کم رنگ می‌گردد.

امروز یکی از خواست های هر فرد و نیروی مدافع کارگران باید تدارک چنین اتحاد عملی باشد.

دوم، تدارک نظری و سیاسی. کمونیست ها در ضمن باید خود را برای انقلاب آتی از زاویه تتوریک و نظری نیز آماده کنند. فرصتی که افراد و نیروهای کمونیست در خارج از کشور دارند به مراتب از مبارزان درون کشور مساعدتر است. ترتیب سمینارها و بحث های مشخص؛ و مربوط به مسائل جنبش کارگری؛ و تبادل نظر و روشن سازی اختلاف نظرها همه به تدارک نظری کمک می‌رساند.

سوال- به اعتقاد شما مهمترین بحث های سیاسی برای رسیدن به یک وحدت تشکیلاتی میان کمونیست ها چیستند؟

سوسیالیست های انقلابی حداقل بر سه محور نظری زیر تأکید می کنند:

اول، مفهوم استراتژی و تاکتیک انقلابی. ضرورت بحث پیرامون انقلاب آتی ایران و حکومتی که جایگزین آن می گردد از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین بدون بحث و توافق در مورد تکالیف انقلاب آتی، طبقه ای که باید سرنگون گردد و طبقه ای که باید جایگزین آن گردد، امر اتحاد سیاسی و تشکیلاتی غیر عملی است.

دوم، مفهوم حزب پیشنهاد انقلابی. مسئله حزب کارگری و نحوه شکل گیری آن و ساختار تشکیلاتی آن باید به یکی از موضع های اصلی بحث میان کمونیست های مبدل گردد.

سوم، مفهوم برنامه انقلابی. بحث حول برنامه انقلابی برای وحدت سیاسی کمونیست ها حائز اهمیت بسیار است*.

سوال- آیا شما از افراد و نیروها می خواهید که به شما به پیوندند؟

خیر! زیرا که ما هنوز «حزب»، «سازمان» و حتی یک گروه متشکل ایجاد نکرده ایم. ما با حزب های بدون پایه کارگری که در خارج کشور که با صفت های «کمونیستی» و «کارگری» تشکیل می گردند، توافق نداریم. ما مایلیم که همراه با پیشروی کارگری و آنهم در ایران مبادرت به ساختن گروه انقلابی کنیم. اما در عین حال در خارج به صورت متشکل عمل کرده و خود را برای چنین روزی آماده می کنیم.

* برای مطالعه این مواضع رجوع شود به «دفترهای کارگری سوسیالیستی» شماره ی ۲۸، تیرماه ۱۳۷۴. همچنین به «کارگر سوسیالیست» شماره ی ۲۹، شهریور ۱۳۷۴

طرفداران «اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران» در سه سطح به همکاری با آن قرار می گیرند. «دوستان» اتحادیه که با اهداف و اصول ما توافق عمومی داشته و متمایل به آشنایی و کار مشترک با ما هستند. «فعالان» اتحادیه که به صورت مشخص در یک بخش از کارهای ما مشغول به کار هستند. و «کادر» های اتحادیه که در ساختن اتحادیه نقش تعیین کننده داشته و کار اصلی سیاسی و تمام-وقت خود را به آن معطوف می دارند. ما برخلاف گروه های موجود در خارج «عضو» گیری و «سرباز» گیری نمی کنیم و اعتقادی به داشتن «سیاهی لشکر» نداریم، بلکه تنها با کار مشترک عملی و نظری با افراد، متحدان واقعی خود را می یابیم. از اینرو تعداد فعالان ما «بی شمار» نیستند و از این موضوع باکی نداریم. به اعتقاد ما داشتن چند کادر متعهد، جدی و منضبط بهتر از ده ها سیاهی لشکر غیرفعال و غیرسیاسی است. ما به رشد یادکنکی برای ارضاء وجدان های خود اعتقادی نداریم. ما در عمل افراد را آزمایش کرده و آزمایش خود را به آنها پس می دهیم و سپس در درون یک نهاد دمکراتیک با رعایت حق گرایش به کار مشترک مبادرت می کنیم. ما از داشتن اختلاف نظر هراسی نداریم و آنها را علناً انتشار می دهیم. امیدواریم که با انتشار نشریه مرتب ماهانه (کارگر سوسیالیست) و گاهنامه تنوریک (دیدگاه سوسیالیزم انقلابی) سهم خود را در جنبش کارگری ادا کرده و خود و فعالان جدی خارج از کشور و پیشروی کارگری ایران را آماده تدارک انقلاب آتی کنیم. تاریخ جنبش کارگری قرن اخیر صحت این روش از کار را به اثبات رسانده است.

مرداد ۱۳۷۸

سوال- آیا شما با اعدام مخالفان خود توافق دارید؟

خیر! ما اصولاً با هر شکلی از اعدام مخالفیم. حتی اعدام کسانی که خود مرتکب قتل گشته اند. صرف اجرای حکم اعدام مسایل اجتماعی را حل نمی کند. ما بایستی مردم (و مخالفان) خود را در هر زمینه ای، آموزش داده و نه اینکه آنها را به شکل

فیزیکی از میان برداریم. البته این روش، یعنی اعدام مخالفان، ساده ترین روش برخورد به مسایل است. اما، مسئله ما کسب راه حل های لحظه ای و ساده نیست بلکه هدف ما حل ریشه ای مسایل اجتماعی است. هدف ما ساختن سوسیالیزم است که نظامی است به مراتب دمکراتیک تر از آنچه امروز در جهان موجود است. به سخن دیگر، حکومت آتی ای که ما قصد تشکیل آنرا داریم، یعنی حکومت شورایی متکی بر نهادهای خود سازمانده توده ای، عالی ترین شکل دمکراسی ای است که جهان به خود دیده است. دمکراسی ای به مراتب والاتر از آنچه در جوامع بورژوا دمکراتیک غربی مشاهده شده است. پس روش برخورد این رژیم به مخالفان خود نیز باید منطبق با ماهیت آن باشد.

سوال- چرا نیروهای «چپ» نیروهای مخالف خود را حتی هنوز به حکومت نرسیده از میان برمی دارند و یا با روش بسیار نامعقول با آنها برخورد می کنند؟

به اعتقاد ما نیروهایی که مخالفان خود را یا اعدام کرده و یا برخوردی فیزیکی حذف می کنند، شایسته نام «چپ» را ندارند. اینها اگر چنین کنند، نشان داده اند که ارتباطی به مارکسیزم و اعتقادی به دمکراسی کارگری ندارند. ریشه این روش های در انحطاط جامعه شوروی نهفته شده است. در گذشته نیروهای استالینیستی اغلب با اتکا به تجارب کشتارهای مخالفان توسط استالین پس از سال های ۱۹۲۰، به چنین شیوه هایی متوسل شده اند. اینها در واقع با این روش ها، نام «چپ» را بی اعتبار کرده اند. به زعم آنها «انقلابی گری» برخورد خشن و غیرانسانی علیه مخالفان است. در صورتی که روش انقلابی درست برعکس آن است. لطمه ای که استالینیزم در گذشته به اعتبار چپ در سطح بین المللی وارد آورد به مراتب بیشتر از حملاتی است که چپ توسط بورژوازی به خود دیده است.

از اینرو ما با روش های اعدام، ارباب و برخورد فیزیکی با مخالفان خود مخالف هستیم. و این روش ها را مغایر با مارکسیم انقلابی می دانیم.

سوال- آیا پس از پیروزی انقلاب، کسی مجازات نخواهد شد؟

بدیهی است که افرادی که به سرکوب پرداخته و یا با رژیم در کشتارها همکاری کرده اند باید به محاکمه کشانده شوند و پاسخ عملکرد خود را بدهند. اما این به این مفهوم نیست که این عده بایستی محکوم به اعدام شوند؛ زیرا که آدمکش بوده اند. آنچه باید رخ دهد این است که دادگاه های شوراهای مردمی به پرونده متهمان رسیدگی کرده و آنان را بنا به جرمشان تنبیه خواهد کرد. اما این تنبیه الزاماً اعدام آنان نیست.

به اعتقاد ما در جامعه آتی حکم اعدام باید لغو گردد. سوسیالیست ها انقلابی برای انتقام گیری و اعدام مخالفان خود بر مصدر قدرت نمی گیرند که هدف آنها سازندگی و ایجاد عدالت اجتماعی برای همه مردم است.

کارگران و زحمتکشان ایران برای تشکیل یک جامعه نوین باید با کلیه کتافات جامعه سرمایه داری مرزبندی کنند (از جمله آدمکشی ها، شکنجه انسان ها و اعدام ها).

شهریور ۱۳۷۸

سوال- در جنگ داخلی چه؟ برای نمونه آیا لنین به عنوان رهبر حزب بلشویک یا تروتسکی به عنوان رهبر ارتش سرخ اعدام مخالفان را صادر نکرده و به اجرا نگذاشتند؟

در اینجا توضیح چند نکته ضروری است:

اول، این قبیل استدلال‌ها متکی بر تبلیغاتی است که توسط مطبوعات بورژوایی از ابتدای انقلاب اکتبر اشاعه داده شده است. این گونه اطلاعات به شکل زیادی به شکل اغراق آمیز طرح شده اند. مبلغان ضدکمونیست بورژوازی برای بی اعتبار جلوه دادن حکومت شورایی در روسیه، معمولاً نتایج کشتار در جنگ داخلی را با کشتارهای پس از آن توسط استالین یکی شمرده و همه آنها را نتیجه شکست کمونیسم قلمداد می کنند. آنها در اذهان عمومی و به منظور ترساندن مردم، از «کمونیسم» یک اژدهای کریه ساخته که کاری جز کشتار و اعدام مخالفان خود نکرده و نمی کند. مدافعان جامعه بورژوا دمکراتیک، برای پرده گذاشتن بر استثمار و ستمی که بر مردم روا داشته می شود، مجبور بوده و هستند که جامعه سوسیالیستی را یک بدیل غیرممکن و ستمگر معرفی کنند. در این میان شیوه های به اصطلاح کمونیست های طرفدار شوروی، بلوک شرق و چین به استدلال های آنها کمک رسانده است.

در صورتی که جامعه سوسیالیستی آتی کوچکترین شباهتی به آنچه در شوروی و چین گذشت، ندارد.

دوم، در جنگ داخلی پس از انقلاب اکتبر، ارتش سفید که توسط اکثر دولت های امپریالیستی حمایت مالی و نظامی می شد، دست به تخریب و کشتار زد. بدیهی است که در این موقعیت خاص نیز ارتش سرخ متقابلاً از دست آوردهای انقلاب اکثریت جامعه دفاع کرد. در هر جنگ داخلی کشتارها و اعدام ها صورت می گیرند که اجتناب ناپذیر هستند (اما شاید غیرقابل دفاع).

باید از کسانی که تروتسکی و لنین را مسبب کشتارهای جنگ داخلی در روسیه معرفی می کنند، پرسید که آیا امروز نیز همان موضع را در مورد عملکرد آقایان بیل کلینتون و تونی بلر که دستهایشان به خون مردم صربستان (و عراق) آغشته است، اتخاذ می کنند؟ بدیهی است که چنین نمی کنند زیرا که کشتن افراد بیگناه در جنگ را اجتناب ناپذیر می دانند. اگر این است، پس چرا در باره ی رهبران جنبش کمونیستی چنین قضاوت می کنند؟

سوم، به اعتقاد ما، اما حتی در یک جنگ داخلی، خانین به انقلاب و جاسوسان نیز باید به طور انسانی محاکمه و مجازات شوند. دادگاه های صحرایی و اعدام دشمنان و خانین نیز نمی تواند به خودی خود موجه قرار گیرد. نمایندگان کارگران و زحمتکشان باید در دادگاه حضور داشته و خود آنها تعیین کنند که مجازات خانین چه باید باشد. خانین به انقلاب باید دستگیر شده و در یک دادگاه علنی و بین المللی به محاکمه کشانده شوند. از این طریق چهره واقعی و دمکراتیک حکومت شورایی به نمایش گذاشته خواهد شد.

آبان ۱۳۷۸

سوال- منظور از نهادهای کارگری دفاع از خود چیست؟

کارگران پیشرو به عنوان رهبران عملی کلیه کارگران، برای اشاعه نظریات و عقاید خود میان سایرین و به ویژه در وضعیت اختناق آمیز، نیاز به ساختن ابزار برای دفاع از خود دارند.

هدف اصلی این ابزار جلوگیری از مسدود کردن فعالیت های سیاسی میان کارگران است. کارگران پیشرو برای تضمین فعالیت های عملی و دفاع از اتحاد بین زحمتکشان در برابر حملات اوباش و حزب الله، دسته های اعتصاب شکن و چاقوکشان سرمایه داران، مجبورند مجهز به بازوهای مسلح خود باشند.

این ابزار می تواند به شکل کمیته های نظامی محافل کارگری (یا کمیته های عمل مخفی) باشند.

بدیهی است که بدون کمیته های نظامی دفاع از خود، اوباش حزب الله ای هرگونه فعالیت عملی کارگران را در نطفه خاموش می کنند. همانطور که رژیم و سرمایه داران شبکه های جاسوسان برای مسدود کردن فعالیت های کارگری تشکیل

می دهند، کارگران پیشرو نیز باید ابزار ضدجاسوسی بوجود آورند. بدون چنین ابزاری محققاً عملیات ضدسرمایه داری کارگران لطمه خواهند خورد.

سوال- آیا چنین کاری در وضعیت کنونی عملی است؟

بدیهی است که چنین کاری ساده نیست. حتی کارگران پیشرو امروزه در ایران از وضعیت بسیار قوی و سازمان نیافته ای برخوردار نیستند. زیرا که در هر تهاجم ضدانقلابی، تعداد بی شماری از ارزنده ترین کارگران دستگیر و سر به نیست شده اند. اما در عین حال سازماندهی دفاع از خود همچنان به عنوان یک ضرورت عینی طرح است و باید شیوه های عملی کردن آن نیز پیدا شوند.

تجربه دهه پیش در ایران حداقل نشان داده است که کارگران پیشرو به چنین ضرورتی رسیده اند.

اما، در عین حال باید تأکید کرد که در نهایت تنها یک سازمان سراسری مخفی کارگری (حزب پیشتاز انقلابی) قادر خواهد بود که به بهترین نحوی کمیته های نظامی کارگری را سازمان دهد.

سوال- وظایف کمیته های دفاع از خود چیستند؟

کمیته های دفاع از خود کارگری با هدف ایجاد تسهیلات برای تبلیغات و گسترش مبارزاتی کارگری ایجاد گشته و از کلیه امکانات برای این منظور استفاده می کند. شناسایی جاسوسان رژیم در کف کارخانه ها، خنثی سازی توطئه های انجمن های اسلامی و خانه ی کارگر، جلوگیری از ترورهای کارگران پیشرو و غیره بخشی از فعالیت های این کمیته ها می تواند باشد.

سوال- آیا این کمیته ها دست به ترور نیز می زنند؟

بدیهی است که نقش فعالیت کارگری ترور افراد و جاسوسان رژیم نیست. نقش کارگران پیشرو آماده سازی کارگران و افشای توطئه های رژیم است. اما در عین حال کارگران پیشرو (یا حزب پیشتاز انقلابی) برای رسیدن به مقاصد خود نمی تواند مورد ارباب یک عده مزدور و اوباش قرار گیرد. اگر برای انجام فعالیت های عملی/سیاسی، کارگران پیشرو ترور شوند و مورد ضرب و شتم قرار گیرند، بدیهی است که کمیته های دفاع از خود کارگری باید بنا بر مقتضیات و تناسب قوا و امکانات موجود پاسخ ضروری را به تروریست های رژیم دهند.

سوال- تفاوت این فعالیت با عملیات چریکی در چیست؟

کارگران پیشرو با عملیات چریکی متکی بر تئوری های «مبارزه مسلحانه: هم استراتژی و هم تاکتیک» توافقی ندارند. این شیوه ها از فعالیت سیاسی تنها برای ارضا کردن وجدان های عده ای روشنفکر طراحی شده اند. «تاکتیک» مسلحانه دفاع از خود برای پیشبرد وظایف سیاسی کارگری با «استراتژی مبارزه مسلحانه» تفاوت دارد. اولی در راستای تشکیل حزب پیشتاز کارگری و آماده سازی کارگران برای انقلاب کارگری و تسخیر قدرت سیاسی توسط خود کارگران است؛ و دومی در جهت جایگزینی طبقه کارگر توسط عده ای «قهرمان» است.

طبقه کارگر تنها در مبارزه سیاسی خود است که به آگاهی طبقاتی دست یافته و تنها با اتکا به نیروی خود است که قدرت تشکیلاتی می یابد. کمیته های دفاع از خود در خدمت چنین هدفی است. استراتژی مبارزه مسلحانه چنین اهدافی را دنبال نمی کند. از اینرو این دو روش با هم متفاوت هستند.

سوال- در صورت تشکیل حزب پیشتاز انقلابی، آیا شاخه نظامی ضروری خواهد بود؟

بله! در جوامعی نظیر ایران، سرمایه داران از هیچ توطئه ای علیه کارگران و زحمتکشان کوتاهی نخواهند کرد. حیات آنها بستگی به استثمار مضاعف کارگران دارد. در نتیجه، برای حفظ خود و منافعشان باید دست به ایجاد نهادهای سرکوب بزنند. از اینرو حزب پیشتاز انقلابی کارگری نیز باید شاخه نظامی خود را برای حفظ منافع کارگران و دفاع از خود داشته باشد.

سوال- رابطه این شاخه نظامی با حزب پیشتاز انقلابی و سایر نیروهای نظامی/چریکی چیست؟

شاخه نظامی، بخشی از حزب پیشتاز انقلابی است و تحت نظارت و انضباط آن حزب عمل می کند و نه مستقل از آن. اما در عین حال شاخه نظامی به طور اخص مسائل امنیتی خود را دارد و اعضای آن باید کاملاً مخفی و تحت یک ساختار ویژه سازمان یابند.

رابطه چنین شاخه ای با سایر جریان های نظامی و یا چریکی نیز از طریق حزب پیشتاز انقلابی براساس اتحاد عمل های کوتاه مدت و یا درازمدت سازمان می یابد. شاخه نظامی یک حزب پیشتاز انقلابی، به علت رعایت مسایل اکید، به طور مستقل با جریان های دیگر تماس حاصل نمی کند. شاخه نظامی همچنان نطفه های اولیه میلیشای کارگری را می تواند بنیاد نهد.

آذر ۱۳۷۸